# صاحب حدائق: تقیه برای القاء خلاف و حمل اخبارعدد برآن

> **أقول: و الذي أقوله في هذا المقام- و يقرب عندي و ان لم يتنبه له أحد من علمائنا الأعلام- هو انه لا ريب في اختلاف روايات الطرفين و تقابلها في البين و دلالة كل منها على ما استدل به من ذينك القولين، و ما ذكروه من تكلف جمعها على القول المشهور تكلف سحيق سخيف بعيد ظاهر القصور، و ان الأظهر من ذينك القولين هو القول المشهور لرجحان اخباره بما ذكره المحدث المشار اليه آنفا، و يزيده اعتضادها بإجماع الفرقة الناجية سلفا و خلفا على القول بمضمونها و هو مؤذن بكون ذلك هو مذهب أهل البيت (عليهم السلام) و قول الصدوق ناد و ان سجل عليه بما ذكره.[1]**

**«أقول: و الذي أقوله في هذا المقام... و ان الأظهر من ذينك القولين هو القول المشهور لرجحان اخباره بما ذكره المحدث المشار اليه آنفا»؛** این اخبار متعارض هستند و اخبار رویت واقعیت دارد و اینها درست است. اظهر قول مشهور است که رویت است. خب پس میخواهید اخبار عدد را چه کار کنید؟ میفرمایند:

> **و اما اخبار القول الآخر فأظهر الوجوه فيها هو الحمل على التقية لكن لا بالمعنى المشهور بين أصحابنا (رضوان الله عليهم) لصراحتها في الرد على المخالفين و ان ما دلت عليه خلاف ما هم عليه و انما التقية المرادة هنا هي ما قدمنا ذكره في المقدمة الاولى من مقدمات الكتاب من إيقاعهم الاختلاف في الأحكام لشرعية تقية و ان لم يكن ثمة قائل من العامة، و الأمر هنا كذلك، و حيث انه قد استفاض عنهم القول بكون شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور و اشتهر ذلك عنهم (عليهم السلام) و ان كان ذلك مذهب العامة أيضا شددوا بإنكاره في هذه الأخبار لأجل إيقاع الاختلاف بتكذيب العامة و الحلف على انه ليس كذلك، و الاستدلال بتلك الأدلة القاطعة ليتقوى عند الشيعة السامعين لذلك ضعف النقل الأول و القول المشتهر عنهم في تلك الأخبار، فيحصل الاختلاف بين الشيعة و**

> **يتأكد ذلك ليترتب ما ذكروه في تلك الأخبار المتقدمة ثمة عليه من قولهم (عليهم السلام) «لو اجتمعتم على أمر واحد لصدقكم الناس عليناو لكان أقل لبقائنا و بقائكم». و نحو ذلك من ما تقدم تحقيقه مستوفى مبرهنا في المقدمة الأولى.[2]**

**«و اما اخبار القول الآخر فأظهر الوجوه فيها هو الحمل على التقية لكن لا بالمعنى المشهور بين أصحابنا (رضوان الله عليهم) لصراحتها في الرد على المخالفين»؛** اخبار عدد آنها را در میکنند، در که تقیه نمیشود، متناقض میشوند؛ خب شما چطور میخواهید تقیه را معنا کنید؟ میگویند به همان مبانیی که خود من در مقدمه اولی در ابتدای حدائق گفته ام؛ اینکه یکی از انواع تقیه خوف و مماشات نیست، بلکه غرض القاء اختلاف بین شیعه است تا شناخته نشوند.

**«و ان ما دلت عليه خلاف ما هو عليه و انما التقية المرادة هنا هي ما قدمنا ذكره في المقدمة الاولى من مقدمات الكتاب من إيقاعهم الاختلاف في الأحكام الشرعية تقية»؛** بهخاطر تقیه القاء اختلاف میکنند.

**«و ان لم يكن ثمة قائل من العامة، و الأمر هنا كذلك»؛** در اخبار ثلاثین و اخبار عدد، ائمه علیهمالسلام میخواستند القاء خلاف کنند. ایشان در مقدمه اولی توضیح دادهاند که علماء بزرگ در روایات ما، روایات ناجور نگذاشته اند و همه آنها را پالایش کردهاند. پس روایات عدد از حیث سند مشکلی ندارند که شما بخواهید آنها را رد کنید. بله، از حیث جهت صدور تقیه اختلاف انداز است. آن جا هم خودشان گفتند اساساً روایات مختلف را به این باب بردند که به جای اینکه به کذاب نسبت بدهند، به خود معصومین نسبت دادند. و این اختلاف هم نه از باب صرف خوف بوده، بلکه از باب این بوده که عمداً میخواستند مختلف بگویند. این روی مبنای ایشان است که بیشتر میرسیم. خب اول در مانحن فیه پیاده کنیم و عبارت ایشان را تمام کنیم. دیروز ناتمام ماند. بعد سر اصل حرف ایشان برویم که در کل فقه به درد میخورد.

**«و الأمر هنا كذلك»؛** در مانحن فیه اخبار عدد هم این چنین هستند. یعنی ائمه علیهم السلام می خواستند با این اخبار عدد اختلاف بیاندازند. به چه صورت؟

**«و حيث انه قد استفاض عنهم القول بكون شهر رمضان يصيب ما يصيب الشهور من النقصان و اشتهر ذلك عنهم (عليهم السلام)»**؛ همانطوری که هر ماهی میتواند بیست و نه روز باشد، ماه مبارک هم میتواند بیست و نه روز باشد. این مفصل از ائمه نقل شده است.

**«و ان كان ذلك مذهب العامة أيضا»؛** مذهب عامه هم همین است. اصلاً مخالفی ندارند که شهر مبارک هم میتواند ناقص باشد و بیست و نه روز باشد.

**«شدّدوا بإنكاره في هذه الأخبار»؛** یعنی اخبار عدد. چون میدانستند که از ناحیه معصوم خیلی پخش شده که ماه بیست و نه روز میشود، خواستند با اخبار عدد یک اختلافی بیاندازند.

**«شدّدوا بإنكاره في هذه الأخبار»**؛ به انکار آن چیزی که از ایشان مستفاض شده بود، **«لأجل إيقاع الاختلاف بتكذيب العامة و الحلف على انه ليس كذلك»؛** قسم هم خوردهاند که آن چه که از خود اهل البیت و از سنی ها است، اینطور نیست.

خب استدلالاتی که در این روایات آمده خیلی عجیب است. می گویند اگر می خواستند اختلاف بیاندازند، یک استدلال اقناعی آوردهاند که عوام شیعه قانع شوند. مخصوصا که به قول امام تعبد

هم دارند. «نردّ علمه الی اهله» را هم دارند. لذا با این استدلالات این اختلافات را انداخته اند. پس این استدلالات هم هست. این ها را از امثال صاحب حدائق می خوانیم.

**«و الاستدلال بتلك الأدلة القانعية ليتقوى عند الشيعة السامعين لذلك ضعف النقل الأول و القول المشتهر عنهم في تلك الأخبار»؛** با این استدلالات اقناعی خواستند شیعه مطمئن شود روایاتی از اهل البیت که گفته ما همیتواند بیست و نه روز شود، در ذهنشان ضعیف شود. این استدلالات قوت آن را پایین میآورد. اقناعی، یعنی میخواستند به غرض اختلاف اندازی برسند. حال که اینطور شد، **«فيحصل الاختلاف بين الشيعة».** چرا اگر اختلاف افتاد خوب است؟ **«و يتأكد ذلك ليترتب ما ذكروه في تلك الأخبار المتقدمة ثمة عليه»**؛ در روایات دیگر گفته اند که چرا اختلاف میاندازند.

**«من قولهم (عليهم السلام) «لو اجتمعتم على أمر واحد»؛** اگر همه شما یک حرف بزنید، **«لصدقكم الناس علينا»؛** همه میفهمند که مذهب ما اهل البیت چیست. شما را تصدیق میکنند بر ما. **«و لكان أقل لبقائنا و بقائكم»**؛ آن وقت شما و ما همه در معرض خطر قرار میگیریم. **«و نحو ذلك من ما تقدم تحقيقه مستوفى مبرهنا في المقدمة الأولى».**

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱۳ صفحه : ۲۷۸

[2] همان

---

بازبینی #1
ایجاد شده 21 آوریل 2026 11:47:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 11:52:35 توسط ... .